

مطالعه کیفی از نحوه درک و تصور کنشگران از مصادیق تحقیر اجتماعی

سهیلا صادقی فسایی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

نرمین نیکدل، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه تهران*

چکیده

تحقیر اجتماعی یکی از مسائلی است که گاه آگاهانه و زمانی ناآگاهانه در جریان انتقال پیام شکل می‌گیرد. وجود آمارهای روزافزون اختلالات روانی و به تبع آن، پیامدهای اجتماعی نشأت گرفته از آن، ما را نسبت به طرح این مسأله جدید در حوزه آسیب‌شناختی حساس نموده و سؤال تازه‌ای را مطرح کرده است که در سالیان طولانی، بدان توجه چندانی نمی‌شد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است تا با اتخاذ روش‌شناسی کیفی و با کاربرد تکنیک مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته با ۴۰ زن و مرد ساکن شهر تهران، به بررسی درک و تصور سوژه‌ها از مصادیق تحقیر اجتماعی، با کنکاش در تجربه زیسته آنان بپردازد. یافته‌ها نشان داد که انواع و اقسام تحقیر با توجه به انگیزه‌های تحقیرگر، شامل چهار نوع تحقیر معطوف به هدف، تحقیر معطوف به غفلت، تحقیر معطوف به قدرت و تحقیر معطوف به تحقیرشدگی است که مصادیق تحقیر اجتماعی، با عطف به اهداف و محورهایی که در چهارچوب آن شکل می‌گیرد، به دو دسته تحقیر کلامی (شامل: القاب تشبیهی و غیرتشبیهی، تمسخر و استهزا، به کارگیری الفاظ رکیک) و غیرکلامی (مستقیم و غیرمستقیم) تقسیم می‌شود.

کلید واژه‌ها: تحقیر، مصادیق، خشونت، روش کیفی

مقدمه

۱۹۹۱: ۴).

قربانی تحقیر در شرایطی قرار می‌گیرد که احساس می‌کند کوچک شمرده شده و به شأن، شخصیت و غرور وی لطمه وارد شده است (لیندر، ۲۰۰۱: ۴۶). تجربه تحقیرشدگی ممکن است احساسات متنوعی، از قبیل: ناامیدی، اضطراب اجتماعی، ناتوانی، خشم سرکوب‌شده، تزلزل روانی، هراس اجتماعی، میل به تخریب و ... را به بار آورد؛ اما آنچه اهمیت دارد، تجربه بدون انقضای تحقیر است که هرگز از بین نمی‌رود (کلین ۲۰۰۱؛ به نقل از فانگن، ۲۰۰۷: ۴۹۱). نمودهایی از تحقیر شامل: مسخره کردن، طعنه زدن، آزار و اذیت، بی‌توجهی کردن به، خجالت دادن، انتقاد کردن، تخفیف دادن و سرزنش کردن است که در جریان تعاملات میان کنشگران به صورت روزمره رد و بدل می‌شود (هارتلینگ، ۱۹۹۹: ۶). وجه مشترک تمام قالب‌های فوق آن است که قربانی تحقیر را در معرض خودکم‌بینی، احساس بی‌کفایتی، بی‌اعتمادی اجتماعی، ترس از تکرار تجربه تحقیرشدگی و بازنمایی فضای تحقیرگری قرار می‌دهد (همان: ۷). فضای تحقیرگری به مثابه یک فضای ناامن آکنده از نمادها، نشانه‌ها و دلالت‌ها، فضایی است که در آن کنشگران با یکدیگر وارد تعاملی نابرابر می‌شوند و هرکدام از آنها در پی هویت‌بخشی و برتری به تفاوت‌های خود و برجسته‌سازی آن هستند. نسبت، پراکندگی و تکرار خصوصیات منتسب و مکتسب افراد، نحوه برساخت، تفسیر و توجیه اعمال سوژه‌ها را تنوع بخشیده و لذا تمامی تعاملات انسانی را به تعاملی معنادار، نمادین و دلالت‌مند مبدل ساخته است. چنین نسبتی، درک تحقیر را به عنوان یک تجربه شخصی با تبعات اجتماعی تنوع بخشیده و امکان تصور الگویی قابل تعمیم از موقعیت‌های تحقیرآمیز برای تمامی سوژه‌های اجتماعی را ناممکن می‌سازد. نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مفهوم تحقیر می‌تواند بر

هر فردی در جریان تعامل با دیگران، به «تعیین ارزش شخصی خود» می‌پردازد. چنین عملی با هدف برتری‌بخشی و اجتناب از قرارگیری در موقعیت فروتری صورت می‌گیرد. از نظر «آدلر» انسان با تصور «خودارزشمندی» زندگی می‌کند و همواره چنان رفتار می‌کند که بتواند آن را از هرگزندی مصون بدارد و با احتراز از موقعیت‌های کهنتری آن را برتر جلوه دهد (آدلر به نقل از: منصور، ۱۳۶۹: ۷۱). یکی از مسائل مهمی که خواسته یا ناخواسته در بافت روابط بین‌فردی به کاهش صحنه‌گذاری بر معیارهای ارزشمندی خود منجر می‌شود، تحقیر اجتماعی است. واژه تحقیر (humiliation) از ریشه کلمه humus است که در لاتین به معنای زمین (earth) یا با صورت بر زمین خوردن است. این کلمه در زبان نروژی به معنای درجه پایین قرارگرفتن (de-gradation)، مطالب توهین‌آمیز (ned-verdigelse)، در زبان آلمانی (Er-niedrig-ung) و در زبان فرانسوی به معنای افت دارنده در نظر گرفته می‌شود. (لیندر، ۲۰۰۳: ۵۶). واژه تحقیر مترادف است با مفاهیمی همچون: از دست دادن چهره^۱، حس حماقت^۲، آزار رساندن^۳، رسوایی^۴، هتک حرمت^۵، پایین آمدن^۶، پست کردن^۷، بدنام کردن^۸، ننگین کردن^۹، بی‌احترامی^{۱۰}، عجز^{۱۱}، بدنام کردن^{۱۲}، زبونی^{۱۳}، استهزا کردن^{۱۴}، ناچیز کردن^{۱۵}، تهمت زدن^{۱۶}، شرمساری^{۱۷}، رنجاندن^{۱۸}، نپذیرفتن^{۱۹}، خندیدن به^{۲۰} (کلین،

1 losing face

2 being made to feel like a fool

3 feeling foolish

4 hurt

5 disgraced

6 indignity

7 debased

8 denigrated

9 dishonored

10 disrespected

11 dis'ed

12 defamed

13 humbled

14 scorned

15 slighted

16 slurred

17 shamed

18 mortified

19 rejected

20 being laughed at

انواع مختلفی از تجارب گوناگون دلالت داشته باشد که از فردی به فرد دیگر متفاوت است (لیندر، ۲۰۰۱: ۵۱؛ هارتلینگ و لوجتا، ۱۹۹۹: ۷). به عبارت دیگر، آنچه برخی از کنشگران اجتماعی در مواجهه با آن به عنوان تحقیر تجربه می‌کنند، می‌تواند برای سایرین بدون هیچ نشانگری دال بر تحقیر، امری عادی تلقی شود. در این پژوهش سعی می‌شود تا به این سؤال پاسخ داده شود که افرادی که تجاربشان را از تحقیر بازگو می‌کنند، چه مصادیقی را معادل تحقیرشدگی می‌دانند و از طرف دیگر، چه شرایط و عواملی، زمینه‌های لازم را برای شکل‌گیری این تجارب فراهم می‌نماید؟

پیشینه تجربی

با نگاهی کوتاه به ادبیات پیشین در این حوزه مشخص می‌شود که علی‌رغم اهمیت نقش تحقیر در پیدایش بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و پیامدهای مخرب آن در قالب انواع مشکلات روانی و اجتماعی، پژوهش‌های عمیق‌تری در حوزه جامعه‌شناختی در ایران صورت نگرفته و محدود پژوهش‌های موجود نیز با حاشیه‌ای کردن آن، از مطالعه آسیب‌شناسانه و مستقل این مسأله چشم‌پوشی نموده‌اند؛ اما مرور ادبیات تجربی سایر کشورها نشان‌دهنده تمرکز بسیاری از پژوهش‌ها بر بررسی تحقیر و تجارب مربوط به آن است؛ برای مثال، نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مصادیق تحقیر - یعنی آنچه به مثابه تحقیر تجربه می‌شود - می‌تواند بر یک تجربه بیرونی - برای مثال شکست در یک بازی یا رقابت - یا یک واقعه درونی - مثل احساس ضعف در فرایند مقایسه خود با دیگری - دلالت داشته باشد (هارتلینگ و لوجتا، ۱۹۹۹: ۷). قربانی تحقیر ممکن است در غیاب هرگونه عمل تحقیرآمیز عمدی که در نتیجه سوء تفاهم، تفاوت‌های فردی و فرهنگی یا انحراف دیگران از هنجارهای قابل احترام برای فرد صورت می‌گیرد، در موضع تحقیرشدگی قرار گیرد (لیندر،

۲۰۰۰a: ۲۹). پل ستاکس^۱، در پژوهشی با عنوان «ما همه تحقیر شده هستیم»، بیان می‌کند که افراد بدون اینکه پیامی را مبنی بر تحقیرشدگی به صورت مستقیم دریافت کرده باشند می‌توانند تحریکات بدنی - عصبی قوی‌ای را به واسطه محرک‌های محیطی تجربه کنند (پل ستاکس، ۲۰۰۴: ۱۸). همچنین تحقیر می‌تواند در نتیجه شایعه‌پراکنی‌های بی‌اساس قومی، فرهنگی و اقلیتی قربانیان زیادی را برجای بگذارد (لیندر، ۲۰۰۱: ۸). یافته‌های برخی پژوهش‌های دیگر گویای آن است که بسیاری از افراد - مهاجران جنگ‌زده به طور خاصه در این پژوهش - تحقیرشدگی شدیدی را به واسطه تصویری که در رسانه‌ها از آنها ساخته می‌شود و برچسب‌هایی که در این جریان به آنها زده می‌شود، درک می‌کنند. آنها به عنوان ابژه‌هایی مغرور، نامتعادل، سخت و غیرقابل ادغام ترسیم می‌شوند (فانگن، ۲۰۰۷: ۴۸۹). بی‌توجهی، حمایت نشدن، در حاشیه قرار گرفتن و طرد، از جمله تجاربی است که غالباً اقلیت‌ها از آن به عنوان مصادیق تحقیر یاد می‌کنند (الیسون و هارتر، ۲۰۰۷).

اگرچه تاکنون گروه‌بندی خاصی از مصادیق تحقیر اجتماعی به صورت الگوهای معینی ارائه نشده است، اما «لازار» (۱۹۸۷) معتقد است تجارب قربانیان تحقیر می‌تواند مشتمل بر پنج ویژگی باشد: ۱- در معرض دید قرار گرفتن؛ به طوری که احساس می‌کنند معیوب یا لکه‌دار هستند؛ ۲- احساس کوچک‌شدگی؛ برای مثال احساس کم‌ارزشی می‌کنند؛ ۳- احساس ناکارآمدی؛ به این معنا که احساس پست شدن، رسوایی یا بی‌کفایتی می‌کنند؛ ۳- مورد حمله قرار گرفتن؛ برای مثال به سخره گرفته شده و مورد اهانت واقع شده‌اند؛ ۵- اتخاذ راهبردهای اجتنابی به طوری که می‌خواهند ناپدید شوند یا از خجالت در زمین فرو روند (به نقل از فانگن، ۲۰۰۷: ۴۹۱).

شایان ذکر است که بیشتر پژوهش‌های انجام شده توسط

¹ Pual Stocks

کنش به یک سری ساختارها و واقعیات عینی کلان تبدیل می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۵۱). بنابراین، روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تحلیل تماتیک (مضمون) است. تحلیل مضمون عبارت از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیل است که طی آن از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌هاست، با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹؛ توماس و هاردن، ۲۰۰۸).

نحوه گردآوری داده‌ها

با توجه به موضوع مورد بررسی که با تجارب زیسته افراد ارتباط دارد و از سوی موضوعی حساسیت برانگیز است، بهترین راه جمع‌آوری اطلاعات، گفتگوست. از این رو، تکنیک جمع‌آوری اطلاعات در این کار از نوع مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. اگرچه پژوهش با سؤال‌هایی کلی آغاز گردید؛ اما وجود این سؤال‌ها مانعی برای طرح سؤال‌های جدید و یا تغییر سؤال‌های قبلی ایجاد نمود و در خلال مصاحبه، چنانچه پاسخ مصاحبه‌شونده لزوم طرح سؤال دیگری را ایجاد می‌کرد، محقق از آن چشم‌پوشی نمی‌کرد؛ چراکه در پژوهش‌های کیفی، دست محقق برای تغییرات مداوم و تغییر پرسش‌ها نسبت به افراد و موقعیت‌ها باز است. چنین راهبردی در روش کیفی اطلاعات جدیدی را که مورد انتظار نباشد، تولید می‌کند. از سوی دیگر، در این پژوهش سعی شد تا پیش‌فرض‌های نویسندگان وارد مصاحبه نگردد و از روش درون‌نگری همدلانه برای فهم معانی ذهنی کنشگران از مسأله تحقیر اجتماعی استفاده شد تا بتواند موقعیت‌های اظهارشده را از دیدگاه خود آنها درک نماید.

روان‌شناسان و به منظور بررسی اثرهای تحقیر بر ابعاد فردی و شخصیتی تحقیرشدگان بوده و پژوهش‌های اندکی به مصادیق اجتماعی و بیرونی تحقیر پرداخته است. فقدان پژوهش‌های لازم در زمینه تحقیر اجتماعی و به‌ویژه اتخاذ رویکردهای اتیک و روش‌های کمی در پرداختن به این موضوع، لزوم توجه و حساسیت نگارندگان را نسبت به حوزه مغفول مانده در بررسی مسائل اجتماعی آشکار ساخته و سؤال‌هایی را در این باره در ذهن آنها ایجاد می‌نماید. این که کنشگران چه درک و تصویری از تحقیر دارند؛ چه تجاربی را به عنوان تحقیر شناسایی می‌کنند و برچه اساسی به قضاوت درباره موضع خود - در قالب فردی که قربانی تحقیر شده - می‌پردازند، از سؤال‌های اصلی این پژوهش است که به آنها می‌پردازیم.

روش پژوهش

با توجه به هدف این پژوهش که آگاهی از درک و تصور کنشگران اجتماعی از مصادیق تحقیر است و با توجه به بدیع بودن موضوع، و نبود چارچوب نظری مناسب برای آن، لزوم اتخاذ رویکردی اکتشافی برای کشف ابعاد پنهان این پدیده بیش از پیش نمودار می‌گردد. برای این منظور، روش تحلیل کیفی گزینه مناسبی به نظر می‌رسید. در پژوهش کیفی مقصود اساساً تفسیر است و از دیدگاه پارادایمی، مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی - برساخت‌گرایی اجتماعی است. همچنین، فهم عمیق از نحوه برساخت و تفسیر تجارب کنشگران از تحقیر اجتماعی، نیازمند مطالعه کیفی با رویکردی امیک^۱ است. رویکرد امیک به عنوان یکی از مفاهیم بنیادی پارادایم تفسیرگرایی به دنبال شناخت جهان اجتماعی کنشگران و چگونگی برساخت آن از دیدگاه افراد درگیر در آن است. با اتخاذ این رویکرد، هدف پژوهش علمی درک و تفهم معنای رفتارها یا کنش‌های متقابل معنادار است که در سطوح بالاتر

¹ Emic Approach

جامعه مورد مطالعه

جامعه یا میدان مورد مطالعه در این پژوهش، تمامی زنان و مردان بالای ۱۵ سال شهر تهران است. نمونه‌گیری به شیوه نظری- هدفمند است؛ بدین معنا که در انتخاب نمونه‌ها دو ملاک «نقطه اشباع نظری» و «تنوع» مبنای کار بوده‌اند. علی‌رغم دستیابی به اشباع داده‌ها در سی‌امین مصاحبه، به منظور دستیابی به اشباع نظری و تأیید گمانه‌زنی‌های نظری، روند مصاحبه تا نمونه چهارم ادامه یافته است. در انتخاب نمونه‌ها سعی شد تا حداکثر تنوع برحسب برخی ابعاد و

شاخص‌های زمینه‌ای رعایت شود. سوژه‌های مورد بررسی به صورت تصادفی در اماکن عمومی، پارک‌ها، محل کار و تحصیل آنها انتخاب شده‌اند.

توصیف ویژگی‌های نمونه

در این پژوهش با تعداد ۴۰ نمونه مصاحبه شده است. همچنین، سعی شده تا نسبت میان سایر متغیرها تا آنجا که ممکن است، حفظ گردد. توصیف داده‌ها و بیان ویژگی‌های متغیرهای زمینه‌ای در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱- مشخصات پاسخگویان

جمع	متغیرهای زمینه‌ای	
۴۰	زن	جنسیت
۲۰	مرد	
۴۰	۱۵-۳۰	سن
۲۰	۳۱-۶۵	
۱	۶۵ به بالا	
۴۰	زیردیپلم	میزان تحصیلات
۹	دیپلم	
۲	فوق دیپلم	
۱۳	لیسانس	
۸	فوق لیسانس	
۱	دکتر	
۴۰	پایین	طبقه اجتماعی
۲۱	متوسط	
۱۰	بالا	
۴۰	شاغل	وضعیت اشتغال
۱۷	غیرشاغل	
۴۰	مجرد	وضعیت تأهل
۲۳	متاهل	
۴۰	جمع	

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

اعتمادپذیری تحقیق

قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک پژوهش کیفی متکی بود و به نتایج آنها اعتماد کرد (گوبا و لینکلن؛ به نقل از محمدپور، ۱۳۸۸: ۴۷). معیار قابلیت

اعتماد دربرگیرنده چهار معیار جداگانه؛ اما مرتبط باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری است که در این پژوهش به کار گرفته شده و راهبردهایی نیز برای ارتقای کیفیت پژوهش اخذ شده است. این راهبردها شامل «تکرار

«خانم بنده تو جمع، یعنی وقتی بچه‌ها هستن، گاهی وقتا خیلی بد حرف می‌زنه. خیلی من خجالت می‌کشم. اصلاً دوست ندارم این جور بشه، ولی اون از قصد داره منو جلوی بچه‌ها کوچیک می‌کنه. وقتی بچه‌ها همه هستن با من دعوا می‌کنه. اگه از بیرون چیزی می‌خرم؛ مثلاً میوه‌ای، پیازی، گوجه‌ای، می‌گه: اینا چیه؟ همشون خرابن، به درد نمی‌خورن. خانم من واسه این منو جلوی بچه‌ها کوچیک می‌کنه که خودش رو پیش اونا خوب کنه (تحقیر عامدانه). اینقدر از این کارها کرده که بچه‌ها قد به ارزن ازم حساب نمی‌برن (تحقیر و از دست دادن جایگاه)».

تحقیر عامدانه می‌تواند در هر زمینه‌ای اعمال شود: در زمینه علمی، کاری، خانوادگی و اجتماعی. شرایط و سرمایه‌های اقتصادی نیز یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر تجربه کنشگران از تحقیر اجتماعی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که کنشگرانی که از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردارند، در مقایسه با آنهایی که در مضیقه‌اند، تجارب کمتر و سطحی تری از تحقیر اجتماعی دارند و بسیاری از آنها اظهار کردند که در شرایط اقتصادی نامطلوب به کرات، عامدانه تحقیر شدند و به دلیل عدم دسترسی به این منبع، خود نیز احساس حقارت نمودند. میزان درآمد، وضعیت اشتغال، هزینه‌های ماهیانه و سایر دارایی‌های مادی چون مسکن و نوع سکونت آنها عامل مؤثری در تحمیل تحقیر به آنها شده است.

میثم ۳۱ ساله که در یک تعمیرگاه موتورسیکلت مشغول به کار است، می‌گوید:

«وقتی رفتم خواستگاری، پدرزنم می‌خواست پاشه من رو بزنه وقتی دید چیزی ندارم... می‌گفت مرتیکه دوزاری اومده می‌خواد دخترم رو بیره. تو محل آبرو برام نگذاشته بود، پیش همه گفته بود پسر فلانی نون به شکمش نمی‌رسه، اومده من به نون و نوایی برسونمش... آخه به اینم می‌گن مرد؟»

دسترسی به سرمایه‌های مالی و اقتصادی با گفتمان

شدن یک یافته» به معنای مستندسازی یافته‌ها از چندین منبع مستقل که در نهایت به کاهش خطای کل‌نگری منجر می‌شود و همچنین، «کنترل تبیین‌های رقیب» به معنای کمک گرفتن از متخصصانی است که در فرایند پژوهش درگیر نبوده‌اند و می‌توانند شواهدی را که با یافته‌ها منطبق نیست، بازنگری و اصلاح کنند.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از مصاحبه‌های کیفی عمیق نشان می‌دهد که رخداد تحقیر اجتماعی در اشکال متفاوتی در روابط میان افراد بروز پیدا می‌کند. درک و تفسیر سوژه‌ها از این اشکال، ما را در ارائه دسته‌بندی که بتواند جوانب مختلف تحقیر را در برگیرد، رهنمون ساخت که در ادامه به صورت مبسوط بدان پرداخته می‌شود. در زیر به بررسی انواع تحقیر با توجه به انگیزه شکل‌گیری آن اشاره می‌شود.

تحقیر معطوف به هدف

انواع تحقیر را می‌توان با توجه به اهداف شکل‌گیری آن دسته‌بندی نمود. زمانی که کنشگران در روابط خود با هدف معینی دست به تحقیر دیگری می‌زنند، در پس کنش خود مقاصد معینی را دنبال می‌کنند که تعمدی است. تحقیر عامدانه زمانی رخ می‌دهد که تحقیرکننده با هدف و نیت قبل از کنش، اقدام به تحقیر قربانی کند. در این شکل از تحقیر، هدف تحقیرکننده از کنش خود می‌تواند کوچک کردن، کم‌شمردن، زبونی، گرفتن شأن و شخصیت، آزار رساندن، رسوایی، هتک حرمت، پایین کشیدن، بست کردن، بدنام کردن، ننگین کردن، بی‌احترامی، بدنام کردن، استهزا کردن، ناچیز کردن، تهمت‌زدن و یا شرمساری تحقیرشونده باشد و یا حتی ممکن است بخواهد به نوعی تمرین قدرت و یا اثبات برتری خود را نشان دهد.

محمد ۶۷ ساله با تحصیلات پنجم ابتدایی که در طبقه اجتماعی متوسط قرار می‌گیرد، می‌گوید:

و ویژگی‌های شخصی مساعدکننده تحقیر، همگی از عواملی است که می‌تواند تحقیرگری را با هدف جلوگیری از وقوع آن علیه فاعل زمان حال شکل دهد.

تحقیر معطوف به غفلت

یکی از اشکال تحقیر که به صورت ناآگاهانه رخ می‌دهد، تحقیر معطوف به غفلت است. این نوع تحقیر در جریان تعاملات بین فردی میان کنشگران با ویژگی‌های متفاوت رخ می‌دهد که از چگونگی تعامل مطابق با جایگاه اجتماعی یکدیگر آگاهی ندارند. اتفاقی که در شرف رخ دادن است، عبارت است از ایجاد احساس تحقیرشدگی به واسطه تحقیرگر ناآگاه در جریان تعامل. در این حالت به خودی خود تحقیری روی نداده است؛ بلکه به سبب عدم رفع انتظارات ناشی از نقش و جایگاه تحقیرشده (فرضی) است که چنین فرایندی به وقوع می‌پیوندد.

از طرفی هم تحقیر غیرعمد نوعی خطر در تقابل با فرهنگ‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی به طور فرهنگی، خاص و مشخص‌اند و از طرفی، پاسخ‌های مورد انتظار به نقش و موقعیت نیز از لحاظ فرهنگی خاص هستند. بنابراین، ممکن است تحقیرکننده از نقش یا جایگاه تحقیرشده بی‌اطلاع باشد یا اینکه نداند برای تصدیق آن موقعیت یا نقش لازم است چه رفتاری از خود بروز دهد. افراد مسن در برخی از فرهنگ‌ها جایگاه اجتماعی بالایی دارند و در برخی دیگر جایگاه پایین. وقتی ایشان جایگاه بالایی دارند، در برخی فرهنگ‌ها این جایگاه نیاز به تکریم و احترام دارد. در برخی دیگر از فرهنگ‌ها نیازمند استفاده از کلمات محترمانه خاصی است و در برخی دیگر ممکن است نیازمند افتادگی و صبر در برابر ایشان باشد (گافمن به نقل از ویسلسکی، ۲۰۰۹؛ رودمین، ۲۰۱۳). بنابراین، آنچه با عنوان تحقیر در بسیاری از روابط بر ساخت می‌شود، به دلیل ناآگاهی تحقیرکننده فرضی است.

جنسیتی‌ای مرتبط است که مردان را در پیوند با نقش‌های تأمین‌کننده معاش و نان‌آوری از طریق مؤلفه‌هایی، همچون: ثروت، قدرت و نفوذ تعریف می‌کند و درحالی‌که چنین انتظاراتی نقشی برای زنان در سطوح پایین و بسیار ناچیز متصور است، برای مردان عامل امتیازبخشی و کسب فرصت و امکان‌هایی است که در یک چرخه، تولید و بازتولید می‌شود. برخورداری از دارایی و منابع مالی، به عنوان ملاک برتری‌بخش، عامل مهمی در ممانعت از تحقیر کنشگران؛ خاصه مردان است و عدم دسترسی به آن می‌تواند تعمداً روابط تحقیرآمیز را شکل دهد. همان‌گونه که میثم اظهار می‌کند، چالش‌های اقتصادی و دسترسی اندک وی به سرمایه اقتصادی، مهم‌ترین عامل قرارگیری وی در موضع تحقیرشدگی است که تعمداً و به دلیل عدم ارضای انتظارات نقشی متناسب با الگوی مردانه به وی تحمیل شده است.

یکی دیگر از عمده عواملی که پاسخگویان در تجارب خود به عنوان تحقیر تعمدی بر ساخت می‌کنند، مؤلفه «خودشیفتگی» است. خودشیفتگی با ویژگی‌هایی، چون: خودستایی، خود مختاری، تکبر، حسادت، بهره‌جویی و عدم همدلی با دیگران مشخص می‌شود و علی‌رغم اینکه مؤلفه‌ای روان‌شناختی است؛ اما از آنجایی که آثارش را در بعد اجتماعی نمایان می‌سازد، بدان اشاره نموده‌ایم.

سعید ۲۷ ساله با تحصیلات لیسانس که به طبقه اجتماعی متوسط جامعه متعلق است، چنین می‌گوید:

«به نظرم شخصیت‌های تحقیرگر، آدم‌های خودخواهی‌اند که خودشون دارند از کمبود عذاب می‌کشند. با تحقیر بقیه می‌خوان چیزی که نیستند و ندارند را به دست بیارند. منظورم اینه که بقیه را تحقیر می‌کنند که خودشون تحقیر نشن؛ نه اینکه حتماً بقیه بخوان تحقیرشون کنند، نه... ولی خودشون، خودشون را کم می‌دونن، اما در ظاهر مغرور و از خود راضی‌اند. این جوری نمی‌خوان بقیه بدوند؛ پس تحقیر می‌کنن تا در معرض تحقیر واقع نشن».

آسیب‌پذیری، ترس از مواجهه با تحقیر، آگاهی از بسترها

به سرم می‌خوره (سرمایه اقتصادی پایین = تسهیل‌کننده تحقیر)».

مهتاب ۲۶ ساله که در کلاس آواز شرکت می‌کند، از تجربه تحقیرشدگی خود که در آن هدف تحقیر نبوده است، چنین اظهار می‌کند:

«همکلاسی‌هام هرکدومشون با ماشین خودشون میان. هر سری که کلاس تموم می‌شد، بهم میگفتن با ماشین خودت می‌ری یا برسونیمت (اختلاف طبقاتی = احساس کمتر بودن). من خیلی احساس بدی داشتم که مجبور بودم بهشون بگم ماشین ندارم. اون‌ها نمی‌خواستن این رو به روی من بیان، شایدم اصلاً براشون اهمیتی نداشت؛ ولی این که بین همشون ماشین نداشتم، منو خیلی اذیت می‌کرد».

برای این دسته از پاسخگویان، ارزیابی خود در مقایسه با کنشگران حاضر در روابط نابرابری که به صورت طبیعی شکل گرفته است، عاملی در تجربه تحقیر است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان تعاملاتی را که در آن ناخواسته در موضع تحقیرشدگی قرار گرفته باشند، به کرات و در نتیجه تفاوت در دسترسی به انواع سرمایه‌های سه‌گانه، تفاوت‌های فرهنگی و عدم حصول کامل برابری تجربه کرده‌اند.

البته، احساس تحقیر زمانی که غیرعمدی است، همیشه به ضعف تحقیرشونده مربوط نمی‌شود، بلکه در مواردی به دلیل اختلافات نشأت گرفته از سبک زندگی و به طور کلی، تفاوت در عادت‌واره‌های تحقیرگر و تحقیرشده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که افراد با تحصیلات بالاتر، روابطی را که تحقیرآمیز خوانده‌اند، بیشتر از کسانی بوده که دارای تحصیلات پایین‌تری بودند. همچنین، تجاربی را که در آن افراد با تحصیلات بالا، احساس تحقیر شدن نمودند، در حوزه‌های بیشتری واقع شده است. افراد با تحصیلات بالا، تحقیرها را در یک طیف میزان اثرگذاری، به صورت جزئی، مهم و خیلی مهم تقسیم‌بندی و تحقیر را در فضاهای متعددی

معمولاً تحقیر معطوف به غفلت در زمینه‌ای شکل می‌گیرد که انتظارات کنشگران اجتماعی از یکدیگر در تعاملات برای هم معلوم نباشد و یا درک و تصور کنشگران نسبت به یک موضوع کاملاً متفاوت باشد؛ کما اینکه گافمن به این موضوع اشاره می‌کند که گاهی افراد به خاطر اشغال یک جایگاه اجتماعی، مستحق دریافت نوعی رفتار خاصی هستند و حال آنکه ممکن است با رفتاری مواجه شوند که متناظر با جایگاه اجتماعی آنها نباشد و فرد این موضوع را حمل به تحقیر کند و حال آنکه افراد به ظاهر تحقیرگر ممکن است هیچ ایده‌ای نسبت به انتظارات مربوط به آن جایگاه نداشته باشند.

بنابراین، این نوع تحقیر هنگامی رخ می‌دهد که هدف تحقیرکننده از انجام بعضی از رفتارها، گفتار و یا حرکات تحقیر نبوده است و این تحقیرشونده است که احساس می‌کند چنین عملی واقع شده است. علاوه بر عامل ناآگاهی تحقیرکننده و تفاوت فرهنگی، آنچه دلیل دیگری از شکل‌گیری این نوع از تحقیر می‌شود، احساس تحقیرشده از وجود ضعف یا کمبودی در وی است و چنین می‌پندارد که فرد مقابل او به این ضعف آگاه شده و یا آن را هدف قرار داده است. در این نوع از تحقیر، به صورت واقعی تحقیرکننده‌ای وجود ندارد؛ اما عاملی که از طریق آن فرد احساس تحقیرشدگی کرده است، از طریق کنشگری دیگر که تحقیرکننده نامیده‌اند، انتقال داده می‌شود.

فرهاد ۲۶ ساله که در یک سوپرمارکت فروشنده است، درباره تجربه خود از تحقیری که غیرعمدی برای وی رخ داده است، می‌گوید:

«برادر خانم همیشه با من خیلی شوخی می‌کنه. بعضی وقت‌ها بهم می‌گه: آبجی ما رو با چهار تا چپیس و پفک بردی! خیلی بهم برمی‌خوره.. می‌دونم که بیچاره منظوری نداره. اما گاو پیشونی سفیدیم. دیگه خودمم می‌دونم که اینجوریه... من می‌دونم که از خانم پایین‌ترم و اون لیاقت بهتر از من رو داشت؛ ولی این مسأله همیشه مثل یه پتک

در بیشتر موارد کنشگران تحقیر غیرتعمدی را منتسب به «دیگران مهم» می‌دانند؛ چرا که بر این اعتقادند که خانواده و دوستان نزدیک نقاط ضعف را یادآوری می‌کنند تا عاملی در جهت بازآفرینی و سازندگی افراد باشد و چنین تحقیرهایی معمولاً خیلی سریع به دست فراموشی سپرده می‌شود.

رضا ۳۳ ساله با تحصیلات سوم راهنمایی می‌گوید: «من آدم خلافتکاری بودم قبلنا. از چاقوکشی و مشروب خوری گرفته تا مزاحمت دیگران، یک بار داداشم جلوی جمع بهم گفت: اگر به این کارها ادامه بدی، جات ته این جوبه. اون لحظه می‌خواستم زمین و زمان رو بهم بریزم. چطور جرأت کرد این رو بگه... ولی دیدم واقعاً داره درست می‌گه. همین قضیه باعث شد که من همه چیز رو بگذارم کنار و یه زندگی شرافتمندانه رو شروع کنم (اثرهای مثبت تحقیر). داداشم هدفش از اون کار این بود که من به خودم پیام و اون کثافت کاری‌ها رو کنار بذارم و همین الانم می‌بینم کسایی که اون موقع من باهاشون دوست بودم، به چه روزی افتادند و با افتخار این کارش رو برای همه تعریف می‌کنم».

تحقیر معطوف به قدرت

معمولاً تحقیر در روابط نامتوازن قدرت شکل می‌گیرد. دسترسی تحقیرکننده به منابع اقتصادی، زور و امتیازات اجتماعی ممکن است در وی حس جسارت و قدرت پدید آورد و بر همین مبنا قربانی را تحقیر کند و به این ترتیب وی را تحت کنترل خود در آورد. افراد برحسب اینکه چه تفاوت‌هایی در دسترسی به قدرت دارند، هدف از اعمال قدرت در روابط نابرابر چیست، از چه ابزارهایی برای دستیابی بدان استفاده می‌نمایند و اینکه تا چه حد نابرابری آنها در ساختار اجتماع نهادینه شده است، احساس تحقیرشدگی می‌کنند.

نتایج حاصل از این پژوهش، نشان‌دهنده آن است که اکثریت پاسخگویان مرد، نابرابری در روابط قدرتی را به

تجربه نموده‌اند. این درحالی است که افراد با تحصیلات پایین تقریباً در بازگویی تجارب خود به چنین طیفی اشاره نمودند و بیشترین تجربه تحقیر را در حوزه شخصی و خصوصی؛ یعنی در ارتباط با خانواده و نزدیکان خود گزارش دادند. شایان ذکر است که سرمایه‌های اطلاعاتی، صرفاً مختص به افراد تحصیلکرده نیست، بلکه در میان سایر افرادی که از تحصیلات پایینی نیز برخوردارند، چنین سرمایه‌های اطلاعاتی یافت می‌شود؛ خصوصاً وقتی که سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی آنها در سطح بالاتری قرار داشته باشد. به عبارت دیگر، میزان آگاهی افراد از مسائل مختلفی، همچون: حقوق شهروندی، حقوق انسانی در جامعه و غیره سبب شکل‌گیری انتظاراتی از جامعه می‌گردد که رویارویی با شرایطی که ناقض این حقوق باشد، می‌تواند به موقعیت‌های تحقیرآمیز تعبیر شود. از سوی دیگر، افراد با تحصیلات پایین، موقعیت‌هایی را که در آن تنها «شخص» آنها تحقیر شده‌اند، در تجاربشان ذکر کردند، درحالی که افراد با سرمایه فرهنگی بالا، جزئی‌نگرانه و در دامنه وسیع‌تری «دیگرانی» را که تحقیر شده‌اند، در تجاربشان روایت نمودند.

تحقیر غیرتعمدی در برخی نمونه‌های مورد بررسی نسبت به سایر اشکال تحقیرگری، چالش‌های روانی و اجتماعی بیشتری را برای قربانی در پی خواهد داشت؛ چرا که تحقیرشونده به نقاط ضعف خود در مقابل دیگران آگاه شده، خود را محرک بروز این رخداد می‌داند و حتی اگر وضعی را در خود مشاهده نکرده باشد، نحوه برخورد تحقیرکننده، این فکر را در وی ایجاد می‌کند که دارای کاستی‌هایی است؛ درحالی که در تحقیر عامدانه، تحقیرشونده از این مسأله آگاه است (یا در جریان بازنگری، از تعمدی بودن آن آگاه می‌شود) که ضعف تحقیرگر و برتری اوست که محرک شکل‌گیری تحقیرشده است و یا در حالت دیگر جایگاه فروتر خود را در سیستم اجتماعی پذیرفته است؛ اگرچه این گزاره نافی تلخی تحقیر عامدانه نیست.

تفاوت‌های اقتصادی در تصاحب ثروت و کالا، تفاوت در جایگاه آنان در فرایندهای تولید، با هدف انباشت سود و اعمال اقتدار قانونی، که با استفاده از ابزار نابرابری‌های اقتصادی و سازوکارهای کنترل در شکل ساختارهای حقوقی نهادینه شده‌اند، عامل تحقیر خود می‌دانند، درحالی‌که زنان تفاوت‌های حقوقی یا سنتی جایگاه و امتیازها، تفاوت‌ها در مهارت و صلاحیت با هدف حفظ امتیازهای نظام مردسالارانه و با استفاده از ابزار نظام‌های مراقبت و نظارت را که در شکل ساختارهای سنتی و پدیده‌های مرسوم یا باب روز نهادینه شدند، علت تحقیر خود در این روابط می‌دانند.

بنابر آنچه گفته شد، چنانچه کنشگران از سوی افرادی تحقیر شوند (برای مثال، گروه همسالان خود) که امکان تحرک و تغییر جایگاه خود را در مقابل آنان داشته باشند، در صورت تحقیر شدن، از طریق راهبرد جبران تا حد زیادی می‌توانند عواقب ناشی از تحقیرشدگی‌شان را تخفیف دهند؛ اما آنجا که روابط قدرت نابرابر است، کنشگران دائماً احساس تحقیرشدگی می‌کنند؛ زیرا نمی‌توانند وضعیت خود را عوض نمایند.

یکی دیگر از انواع تحقیرهای معطوف به قدرت، تحقیر در روابط عاطفی است که کنشگران در تجربه زیسته خود با آن مواجه شده‌اند؛ جایی که کنشگران از سوی کسانی که به آنها دلبستگی عاطفی دارند، در موضع تحقیرشدگی قرار می‌گیرند. زمانی که در رابطه‌ای عاطفی تعادل میان قدرت افراد واقع در آن رابطه از بین برود، تحقیر می‌تواند یکی از پیامدهای این عدم توازن برای شخص یا اشخاصی باشد که در موضع پایین‌تری قرار گرفته‌اند.

محمد ۳۲ ساله که از سوی والدین خود به دلیل تبعیضی که میان وی و سایر فرزندان خانواده قائل شده‌اند، تحقیر شده است، می‌گوید:

«من از همشون (منظور خواهر و برادرش است) بهتر بودم و اسه پدر و مادرم؛ الان هم هستم. از پنجم ابتدایی سرکار

می‌رفتم. هیچی که ازشون پول نمی‌گرفتم، بهشون کمک هم کردم، بهشون احترام گذاشتم؛ ولی همیشه اون‌ها برادر و خواهرهام رو به من ترجیح دادند (تبعیض و تحقیر). تلاششون واسه اون‌ها بود. من این وسط براشون اهمیتی نداشتم. تا به کاری، مسأله‌ای واسه برادرم یا خواهرام پیش میاد، فوری از من می‌خوان کمکشون کنم؛ درحالی‌که من تو یه شهر غریب بودم، با هزارتا بدبختی به اینجا رسیدم، بزرگتر نداشتم (بی‌توجهی و تحقیر)... دختر مورد علاقه من رو ترک کرد، چون بهم می‌گفت وقتی خانواده‌ت تو رو آدم حساب نمی‌کنن، چطور می‌خوای من تو رو مرد زندگیم بدونم؟ (تنهایی = تحقیر) اون‌ها نرفتند خواستگاریش. هرچی خواهش کردم، گفتند: تو میری زن بگیری، بدبختیش واسه ماست».

برای پاسخگوی فوق، عدم دستیابی به ویژگی‌های عینی ترسیم‌شده در طرحواره‌های عاطفی او که انتظار دریافت حمایت و صمیمیت دارد، سبب شکل‌گیری تجربه تحقیر ناشی از تبعیض و بی‌توجهی شده است. هرچند عدم پاسخگویی به انتظارات عاطفی، تحقیرشده را با چالش‌های مضاعفی مواجه می‌سازد؛ اما امکان جبران تحقیر به واسطه تراکم ارتباطات را نیز فراهم می‌کند؛ برای مثال، فردی که از سوی پدر خود به هر دلیل تحقیر می‌شود؛ اگرچه تجربه عاطفی نامطلوبی را دریافت کرده؛ اما امکان اینکه پدر بتواند با راهبردهای جبرانی از فشارهای ناشی از این خاطره بکاهد، بسیار بیشتر از زمانی است که تحقیرکننده یک «غریبه» باشد که امکان برقراری ارتباط مجدد با وی اندک است.

یکی دیگر از جنبه‌های تحقیر در روابط عاطفی، سوء استفاده عاطفی است. سوء استفاده عاطفی فراتر از آزار کلامی است و می‌تواند به عنوان هر گونه رفتار غیر جسمانی اطلاق شود که برای کنترل کردن، پست کردن، مرعوب کردن، مطیع کردن، تنبیه کردن یا منزوی کردن شخص دیگر، از طریق استفاده از ارباب، تحقیر یا ترس صورت می‌گیرد. دامنه رفتار توأم با سوء استفاده عاطفی از بدرفتاری کلامی (کوچک

یاری می‌طلبند. اگرچه چنین راهبردهایی خطر بازتولید تحقیر را در دامنه وسیعی از شرایط میسر می‌کند؛ غالباً به صورت غیرمستقیم و در فضاهای امن تخریبگری ظهور می‌کند.

لیلا ۲۷ ساله در این باره می‌گوید:

«یک موقع‌هایی آدم دلش می‌خواد سر به تن اون‌ی که پیش همه کوچیک کرده نباشه (غلیان احساسات ناشی از تحقیر شدگی)، می‌ری پهلو هرکی که این آدم اعتباری داره پیشش بد می‌گویی، آبروش را می‌بری (تحقیر معطوف به هدف تحقیرگری) این جور ی انگار دلت خنک شده، کار درستی شاید نباشه (تناقضات انتخابی) ولی خودت آروم شدی (تسکین‌پذیری)».

برای لیلا تغییر نقش تحقیرشده به تحقیرگر نه به صورت مستقیم و علیه تحقیرکننده نخستین، بلکه غیرمستقیم و بدون برنامه‌ریزی و در یک فضای جدید و غالباً علیه کسانی صورت می‌گیرد که فاقد منابع قدرتی همسان با وی هستند. شایان ذکر است که در روابط کم و بیش یکسان، امکان تحقیرگری علیه تحقیرکننده بسیار شایع است. همین امر است که تحقیر اجتماعی را به یکی از آسیب‌های اجتماعی چرخه‌ای و بی‌پایان تبدیل کرده است.

آرمین ۲۹ ساله می‌گوید:

«مقاومت یه محرک بیرونی یا عصبانیت، یا مقابله به مثل و عکس‌العمل‌های متقابل یه وقتایی عصبانی می‌شه و حتی به خشونت کشیده می‌شه... یک وقتایی از همون راهی که فرد مقابل تحقیر کرده، شما هم تحقیر می‌کنی... از لباس پوشیدن شما ایراد گرفته، دو روز دیگه از تپش ایراد می‌گیری... این در به اون در می‌کنی».

عباس ۳۶ ساله که از مقابله به مثل به عنوان راهبردی در مقابل تحقیرکننده استفاده می‌کند نیز چنین می‌گوید:

«خیلی ریز می‌شم یک ایرادی بگیرم ازش که در کمال آرامش و با شوخی یک جور ی بگم که تا خون‌شون کله معلق بره»

درحقیقت، اگر تحقیر تنها به فضایی که در آن فعلیت

شمردن، سرزنش و عیب‌جویی مستمر) تا تدابیر ماهرانه، مانند: ارباب، دستکاری و رویگردانی از خوشی‌های زندگی را در برمی‌گیرد.

سمیه ۳۰ ساله با تحصیلات کارشناسی که از سوی نامزد خود مورد سوءاستفاده عاطفی قرار گرفته، می‌گوید:

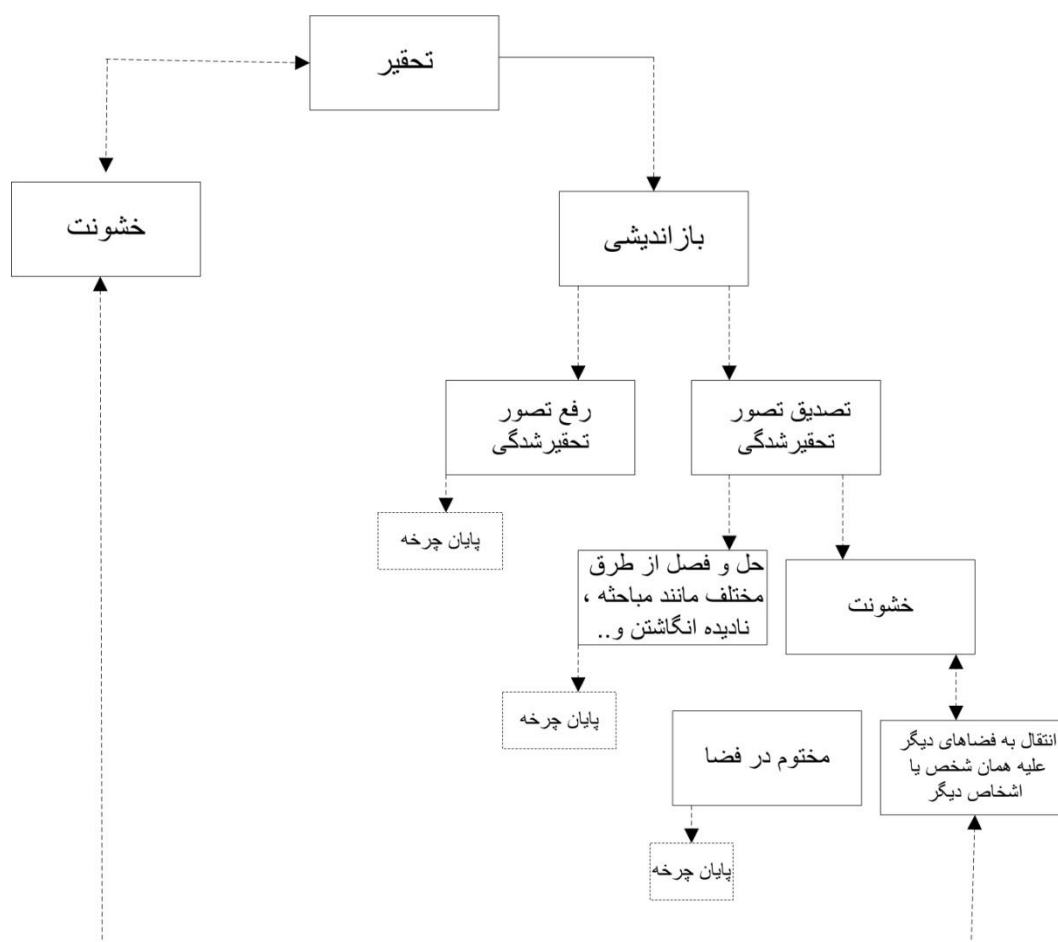
«همیشه به من می‌گفت که چقدر من از اون سرترم که اون لیاقت من را نداره... یهو سر هیچی باهام بهم زد و رفت با یکی دیگه ازدواج کرد. اون آدم من رو تا عرش برد و یهو با کله کوبوند رو زمین... من خیلی روش حساب کرده بودم. یکی دیگه را به من ترجیح داد، تا مدت‌ها فکر می‌کردم من چی از اون دختره کمتر داشتم که من را ول کرد».

تحقیر معطوف به تحقیرشدگی

این شکل از تحقیر به عنوان نوعی واکنش در برابر تحقیرشدگی و تلاش برای جبران آن در فضاهایی که کنشگر صاحب قدرت است، انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، کنشگرانی که در برخی تعاملات خود در موضع تحقیرشدگی قرار می‌گیرند، در برخی روابط خود ممکن است یکی از راهبردهایی که عاملان اجتماعی با هدف تسکین و سرپوش نهادن بر موضوع تحقیرشدگی خود اعمال می‌کنند، تغییر موضع خود از تحقیرشده به تحقیرگر است. در نقش تحقیرگر قرارگرفتن به سبب سیطره منطق حفظ «خود» - یعنی مسؤول بودن افراد در نگهداری از حیثیت و شأن اجتماعی‌شان - به سوی روزمرگی سوق داده شده است. نحوه تعامل در فضاهای مختلف، فرایندهای هویت‌یابی و معنابخشی به زندگی، از جمله عوامل مؤثر بر این تغییر موضع‌هاست. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سوژه‌های اجتماعی در پاسخ به موقعیت‌های اضطراب‌آوری، همچون: تحقیرشدگی، نه تنها به منابع خود - منظور منابع برتری‌بخش - تکیه می‌کنند، بلکه از منابع محیط اجتماعی - شایعه‌پراکنی‌های منفی تلافی‌جویانه درباره تحقیرکننده - نیز

فاصله اجتماعی میان آنها، حضور یا عدم حضور شاهد/شاهدان به امتداد تعاملات تحقیرآمیز منجر می‌شود. شکل زیر نمایانگر چرخه تحقیرگری است که در روابط تولید و بازتولید می‌شود.

یافته، ختم می‌شد، این مسأله قابل اغماض بود و سهولت بیشتری در رفع اثرهای آن وجود داشت؛ اما یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های کیفی نشان می‌دهد که شرایط و ویژگی‌های فضای تحقیر، مناسبات و روابط میان کنشگران،



شکل ۱- چرخه تحقیر

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

قابل پیش‌بینی است: یا با گفتگو و متقاعدسازی تحقیرکننده را به باز پس‌گیری احترام به خود وادار کند (امکان دارد تحقیرشده با بی‌تفاوتی، تحقیرکننده را نادیده بینگارد) که در این حالت هم چرخه متوقف می‌شود؛ یا اینکه به خشونت و مقابله به مثل منجر شود. همچنین، اگر این خشونت به همان فضا خاتمه یابد، با وجود تولید خشونت، چرخه پایان می‌یابد؛ اما چنانچه تحقیرشده این خشونت و مقابله به مثل را به

هنگامی که فردی در یک رابطه تحقیر می‌شود، دو نوع رفتار می‌تواند از خود نشان دهد: یکی اینکه بلافاصله به مقابله به مثل و خشونت پردازد که این امر به بازتولید تحقیر منجر می‌شود و دیگری اینکه درباره این مسأله که آیا واقعاً تحقیر روی داده است یا خیر، بازاندیشی کند. در صورتی که تحقیر غیرعمدی باشد، این چرخه متوقف می‌گردد؛ اما زمانی که این تصور تصدیق گردد که تحقیر عمدی بوده، دو رفتار

آنچه پاسخگویان ذکر کردند و با توجه به یافته‌های کلی پژوهش، می‌توان انواع تحقیر را به صورت زیر جمع بندی کرد:

فضاهای دیگری انتقال دهد، به بازتولید مجدد تحقیر منتهی می‌شود. بنابراین، تکرار تجارب و جابه‌جایی نقش تحقیرکننده و تحقیرگر است که این پدیده را به صورت مرضی در جامعه پراکنده کرده، گسترش می‌دهد. بر اساس

تحقیر معطوف به هدف	<ul style="list-style-type: none"> • عاملان صورت می‌گیرد و دلیل خاصی دارد • کسانی که بزرگی خود را در تحقیر شدگی دیگران می‌دانند (با هدف خودمداری)
تحقیر معطوف به غفلت	<ul style="list-style-type: none"> • با نیت خاصی صورت نمی‌گیرد • کسانی که ناخودآگاه دست به تحقیر دیگران می‌زنند
تحقیر معطوف به قدرت	<ul style="list-style-type: none"> • کسانی که به روابط نابرابر و استمرار اینگونه روابط علاقمند هستند • عدم تساوی قدرت گاهاً زمینه را برای تحقیر کردن و تحقیر شدن فراهم می‌سازد
تحقیر معطوف به تحقیر شدگی	<ul style="list-style-type: none"> • افرادی که بیشتر تحقیر می‌شوند، گرایش بیشتری به تحقیر کردن دارند

شکل ۲- اشکال تحقیر با توجه به انگیزه‌های آن

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

است. آنچه تحمل آزار زبانی و هتاکی را سخت می‌کند، توصیفات بی‌رحمانه‌ای است که به نوع زندگی، فکر و احساسات و نیازهای فرد مقابل هجوم می‌آورد. تحقیر کلامی دامنه وسیعی را شامل می‌شود و می‌تواند خود را در قالب ناسزاگویی و فحاشی، ایرادگرفتن، دادن القاب سخیف، سرزنش کردن و نفرین کردن نمایان سازد که در جدول ذیل آمده است.

پس از ذکر انواع تحقیرها براساس انگیزه تحقیرگر، می‌توان به بررسی مصادیق و مستندات پرداخت که کنشگران تجربه آن را به تحقیر تفسیر می‌کنند.

تحقیر کلامی

یک اشکال بارز تحقیر که در روابط بین‌فردی رخ می‌دهد، تحقیر کلامی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که آزار زبانی، احساسات مهارنشده شخص برای کنترل و تحقیر فرد مقابل

جدول ۲- انواع تحقیر کلامی

جُک‌های منتسب به گروه‌ها و اقلیت‌ها	تمسخر و استهزا (از طریق)
تشر و کنایه	
شعار	
شایعه و تهمت	به‌کارگیری الفاظ رکیک
نسبت به خویشاوندان درجه یک فرد مانند فحش‌های ناموسی	
نسبت به شخصیت فرد تحقیرشونده	
به حیوانات و جانوران مانند: الاغ، گاو، گوسفند و...	القاب
به اشیای پست و فاسد مانند: آشغال، زباله و...	
به انسان‌های ناتوان و معلول، مانند: کر، لال، شل، فلج و...	
منتسب به شعور فرد مانند: نفهم، احمق، بی‌شعور	غیر تشبیهی
منتسب به جایگاه فرد در اجتماع مانند: گدا، پایین شهری و...	

انواع تحقیر کلامی

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

مصادیق تحقیر شامل می‌شود. این گروه از مصادیق تلاش قربانیان را برای استفاده از ابزار مفاهمه و تقویت گفتگوی من/ دیگری از بین برده، به بازتولید تحقیر منجر می‌شود. در غالب اوقات خشونت نهفته در تحقیر کلامی و زمینه‌های اجتماعی تسهیل‌گر آن (برای مثال همراهی تحقیرگر با همراه/ همراهان، موقعیت اجتماعی تحقیرگر، فاصله اجتماعی او با قربانی و ...) مانع از مقابله به مثل و کاهش تنش رخداد از طرق جبرانی آن می‌شود.

اعظم ۴۰ ساله با تحصیلات ابتدایی می‌گوید:

«شوهر اولم خیلی منو جلو همه کوچیک می‌کرد. تا دو سال اول ازدوایم بچه‌دار نمی‌شدم؛ حرف و حدیث مردم کم بود، شوهرم نور علی نور شده بود. از اجاق کور و ناقص و بی‌ثمر گرفته تا هزار تا فحش و بد و بیراه (مصدق تحقیر کلامی، از نوع تشبیهی). اصلاً حرف خوب از دهنش درنمی‌ومد؛ همش فحش می‌داد. سکوت

سیامک ۴۰ساله با تحصیلات دیپلم می‌گوید:
«با خانم تو صف بنزین بودیم. دنده عقب رفتیم. راننده پشت سریم بوق بوق که نزن! اصلاً نفهمیدم چرا این جوروری کرد، چون اصلاً نخورد. اومد کوبید رو شیشه داد و بیداد که نمی‌دونم مرتیکه شعورت نمی‌رسه زدی به ماشینم. مگه سوار خر شدی».
افسانه ۲۶ ساله، تجربه خود را از تحقیر به عنوان فردی از طبقه اجتماعی پایین چنین بازگو می‌نماید:

«پیره‌زنه تو مترو داد و بیداد راه انداخته بود. چرا اینا خط متروی تجریش رو به شهر ری وصل کردند. هر بی‌سر و پای ننه مرده‌ای پا می‌شه میاد تجریش می‌گه مام تهرانیم. این پایین شهریای فلان، این گداگودوله‌ها (مصادیق تحقیر کلامی، القاب غیر تشبیهی). رسماً داشت می‌گفت ما آدمیم فقط»

تحقیر کلامی پرتکرارترین اظهارات پاسخگویان را از

زمانی که افراد آن جامعه قادر به درک تفاوت‌ها نباشند، جدال بر سر توجیه خود می‌تواند به خشونت و از آن جمله خشونت کلامی بینجامد.

تحقیر غیر کلامی

ارتباطات غیر کلامی شامل کلیه پیام‌هایی می‌شود که افراد علاوه بر خود کلام، آنها را نیز مبادله می‌کنند. این نوع ارتباطات همواره در همه جا وجود دارد. در همه فرهنگ‌ها و زبان‌ها «نشانه‌های غیر کلامی» وجود دارد و هیچ فرهنگ و زبانی نیست که نشانه‌های غیر کلامی در آن جایگاهی نداشته باشد و بخش قابل ملاحظه‌ای از مفاهیم و خواسته‌ها از طریق آنها به دیگران انتقال نیابد. استفاده از حرکات و ایما و اشاره در اکثر اوقات جایگزین گفتار یا مکمل آن می‌گردد. این حرکات به خودی خود و بدون گفتار دارای معنی بوده، می‌توانند بدون سخن ادا شوند. در اکثر مواقع از علامت یا نشان‌ها برای تحقیر و توهین، تمجید و تعریف و یا تنظیم رفتار مخاطب استفاده می‌شود. گوینده هنگام ادای علامت از انجام آن آگاه است و شنونده نیز بعد از مشاهده به آن آگاهی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، این علامت‌ها و نشان‌ها آگاهانه هستند (ایکمان و فریزر، ۱۹۶۹: ۵۹). از دیرباز این باور وجود داشته است که حرکات غیر کلامی افراد در زمان سخن گفتن بیانگر احساسات و هیجان‌های آنهاست. این حرکات به‌طور بالقوه می‌توانند اطلاعات فراوانی درباره اعمال درخواستی ارائه دهند (کندوم، ۱۹۸۱: ۱۳۹).

یکی از عواملی که به شکل‌گیری تحقیر در روابط میان فردی منجر می‌شود، زبان بدن است که افراد در روابط خود از آن برای تسهیل تعامل استفاده می‌کنند که گاه به علت وجود مرزها، ترس، شرایط و غیره قادر به به‌کارگیری کلام برای تحقیرگری نیستند و گاه به دلیل آگاهی از تأثیر به مراتب مخرب‌تر زبان بدن نسبت به کلام، از این روش استفاده می‌کنند. انواع مختلف تحقیر غیر کلامی، در زیر آمده است:

می‌کردم، می‌گفت: من که زن کر و لال نگرتم. حرف می‌زد، می‌گفت: سلیطه فلان فلان شده». سمیه ۳۲ ساله که از حاکمیت تبعیض در فضای خانگی خود سخن می‌گوید و بنا بر اظهارات وی از کودکی میان وی و خواهر و برادرش فرق قائل شده‌اند و سرکوفت شده است، در این مورد می‌گوید:

«زیاد بهم گیر می‌دهند. خواهر بزرگم، امکان نداره به کار منو تأیید کنه؛ هرچی می‌پوشم، می‌خرم، هرجا برم اصلاً هرکاری بکنم؛ ازم ایراد می‌گیره. می‌گه خاک تو سرت کنن بیچاره! آگه شبیه آدم بودی، تا حالا شوهر کرده بودی، احمق از بس دویده اینور اونور شبیه عنتر شده! به کیلو گوشت رو بدنش نیست، عقب مونده (مصدق

تحقیر کلامی، از نوع القاب تشبیهی و غیر تشبیهی)

از سویی، براساس نظریه اثرهای تعامل، شرایط گفتگوی دوطرفه زمانی شکل می‌گیرد که کنش ارتباطی در مفهوم هابرماسی آن حضور داشته باشد تا کنشگران در فضایی به دور از تنش نظرهای خویش را تبادل نمایند. هابرماس معتقد به شکل‌دهی فضای کنش ارتباطی است. در این هم‌کنشی، کنشگران از یکدیگر توقع دارند که اغراض و افعال متفاوتشان را از طریق اجماعی که محصول ارتباط و مفاهمه است، هماهنگ کنند. «زبان مشترک» این امکان را فراهم می‌آورد و در صورت بروز اختلاف‌نظر برای جلوگیری از رفتار خشونت‌آمیز فقط باید طرفین به دلیل متوسل شوند. پس نیروی الزام‌آور اعمال گفتاری در گرو نیرومندی غیرخشن دلائل است (هابرماس، ۱۳۷۷: ۴۵). افرادی که از گفتگو و تعاملات استدلالی با دیگران خودداری می‌ورزند، مستعد گرایش به خشونت می‌شوند و کسانی که مهارت‌های ارتباطی قوی نداشته، ظرفیت بحث، مذاکره و گفتگو را در رابطه با موضوع‌های مختلف دارا نیستند، رابطه پرتنشی را تجربه می‌کنند که محصول آن نارضایتی، خشونت، تحقیر و بدبینی است (دالوس، ۱۹۹۴: ۲۰). از سوی دیگر، تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی در تمام جوامع با نسبت‌های مختلفی وجود دارد؛ اما

جدول ۳- انواع تحقیر غیر کلامی

نوع نگاه	غیر مستقیم (body language)
حرکات صورت شامل نیشخند، ابرو بالا انداختن و...	انواع تحقیر غیر کلامی
بی‌اعتنائی و ناپیده انگاشته شدن	
کتک زدن	مستقیم
هل زدن، تنه زدن، حمله کردن	
آزار جنسی	

منبع: یافته‌های پژوهش حاضر

فشار مضاعفی را بر کنشگران وارد می‌آورد که آنان را بر سر دوراهی اتخاذ راهبردهای نادیده‌انگارانه یا فاعلانه قرار می‌دهد.

بنابر آنچه درباره مصادیق تحقیر کلامی و غیر کلامی گفته شد، به یک صورت‌بندی از انواع مصادیق تحقیر که شامل هردو بعد کلامی و غیر کلامی می‌شود، دست یافتیم. این صورت‌ها عبارتند از:

۱- القانات، شامل:

نسبت دادن صفات ناپسند، القای ضعف و ناتوانی، ذکر کلمات رکیک، چون: فحش‌ها و ناسزها

۲- عمل و کردار:

محرومیت از علائق، بی‌توجهی و نادیده‌گرفتن، به‌سخره گرفتن، تنبیه، پرخاشگری و خشونت، شرم‌نده‌سازی

۳- توقعات:

انتظارات نامتناسب با توانایی‌های فردی، ارزیابی و سنجش با معیار قرار دادن دیگری، اطاعت

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی ابعاد و جوانب مختلف مسأله تحقیر و پاسخ به این سؤال است که کنشگران اجتماعی چه نوع تجاربی را در قالب مصادیق تحقیرشدگی بر ساخت می‌نمایند؟ اهمیت این کار بیش از هر چیز به آسیب‌های متعاقب این پدیده مربوط می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که

محبوبه ۲۹ ساله می‌گوید:

«کلاس چهارم ابتدایی، ریاضی من ضعیف بود. معلم رو خیلی دوست داشتم؛ اونم همین‌طور. همیشه با اسم کوچیک صدام می‌زد؛ اما وقتی نمره‌ام یه بار کم شد، منو جلوی بچه‌ها کتک زد (کتک زدن از مصادیق تحقیر مستقیم غیر کلامی). فکر می‌کردم اون یه بار رو چشم‌پوشی کنه».

محسن ۲۷ ساله با تحصیلات کارشناسی می‌گوید:

«وقتی تو یک جمعی بهم بی‌توجهی می‌شه، احساس می‌کنم تحقیر شدم؛ چون چیزی برای رونمایی از خودم نداشتم یا اینکه طرف عوضی‌بازی درآره، بهم کم‌محللی کرده».

مصطفی ۳۱ ساله با تحصیلات دیپلم نیز می‌گوید:

«تو یک دعوایی حسابی کتک خوردم؛ بچه بودم، البته، نتونسته بودم از خودم دفاع کنم، هنوزم یادم میاد دوست دارم برمی‌گشتم و یه دل سیر طرف رو می‌زدم».

سارا ۲۳ ساله با تحصیلات کارشناسی ارشد نیز تجربه

خود را از تحقیرشدگی چنین بازگو می‌کند:

«نگاه بد مردها برام خیلی سنگینه. می‌دونم اون‌ها مریضند، ولی اینکه تو موقعیتی قرار گرفتم که به خودشون اجازه این گستاخی را می‌دهند، برام تحقیرآمیزه».

آنچه مواجعه کنشگران را با مصادیق تحقیر غیر کلامی

دشوار می‌سازد، به عدم توافق بر سر وقوع تحقیر است. به بیان دیگر، غیرمستقیم و نسبی بودن برخی از انواع مصادیق،

از پاداش) و غیرمستقیم (حاکمیت غیرقابل تفویض، ضرورت اطاعت بر مبنای ساختاری) قدرت قرار می‌گیرد. و در نهایت، تحقیر معطوف به تحقیرشدگی را یکی از اشکال مهم، پرکاربرد و همه‌گیر تلقی می‌کنند که در همه سطوح و بدون هیچ الگوی خاصی، تنها با عطف به تحقیرشدگی و تلاش برای تخفیف تبعات ناشی از آن، شکل می‌گیرد. مصادیق این شکل از تحقیر را غالباً تحقیرهای سنجیده، برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته‌ای در قالب تحقیرهای غیرکلامی غیرمستقیم قلمداد می‌کردند که در صورت عدم دریافت نتیجه مطلوب- یعنی غلبه احساس حقارت بر هدف- به تحقیر کلامی یا غیرکلامی مستقیم منتهی می‌گردد.

شایان ذکر است که دستیابی به الگویی که بتواند مصادیق یادشده را با انواع چهارگانه تحقیر مطابقت دهد، امری است دشوار و چه بسا ناممکن. تحقیر مفهومی است تعاملی و ارتباطی؛ اما خصوصیات مختلف فردی و اجتماعی و از آن جمله: ویژگی‌های روان‌شناختی / عاطفی، فاصله اجتماعی میان تحقیرگر و تحقیرشده، حضور شاهد / شاهدان، و انواع تعاملات برحسب نوع کارکرد، در ارتباط با متغیرهای زمینه‌ای، همچون: جنسیت، سن، طبقه اجتماعی و میزان تحصیلات می‌تواند تنوع وسیعی از انواع تجارب تحقیر را به همراه داشته باشد.

همچنین، باید خاطر نشان ساخت که تلاش نگارندگان در این پژوهش، اکتشاف جوانب ذهنی تجاربی از تحقیر بود که عینیت یافته و در قالب مصادیقی نمود پیدا کردند. از این رو، کشف ابعاد مختلف این پدیده نیازمند پژوهش‌های وسیعی است که در سطوح خرد، میانه و کلان، قابل اجراست؛ چرا که تحقیر به عنوان زیربنای بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، تبعات و خسارت‌های غیرقابل جبرانی را می‌تواند به همراه داشته باشد که در مرحله پیشگیری و درمان مداخلاتی در سطح فردی (مانند ارائه مشاوره‌های فردی، بالا بردن سطح قابلیت‌های فردی و مهارت‌های اجتماعی)، میانه (از طریق خانواده، مدرسه، گروه‌های اجتماعی و محله‌ای) و کلان (به

تحقیر، متضمن تبعات ناگواری برای فرد، خانواده و جامعه است. تحقیر آسیب‌زا و آسیب‌ساز است؛ زیرا در طی فرایندی تولید شده و منحصراً به فضای اولیه ختم نمی‌شود و دائماً در حال بازتولید در اشکال مختلف است. اگرچه مصاحبه‌های کیفی با تعداد محدودی از سوژه‌ها قابلیت تعمیم به جامعه آماری را ندارد؛ اما می‌تواند لایه‌های عمیق این پدیده را آشکار ساخته، زمینه مطالعات بعدی را در سطوح وسیع‌تری فراهم نماید. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تحقیر در اشکال متنوع و در قالب مصادیق مختلفی ظاهر می‌شود. درک مصادیق دال بر تحقیرشدگی، نیازمند بررسی انواع تحقیر با توجه به انگیزه شکل‌گیری آن بود. بر این اساس و بر پایه تحلیل مصاحبه‌های پاسخگویان، چهار نوع تحقیر، از جمله: تحقیر معطوف به هدف، تحقیر معطوف به غفلت، تحقیر معطوف به قدرت و تحقیر معطوف به تحقیرشدگی شناسایی شدند. انگیزه‌های تحقیرگری نقش مهمی را در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری تجربه تحقیرشدگی دارد؛ برای مثال در تحقیر معطوف به هدف، تحقیرگر با کار بست مصادیق تحقیر غیرکلامی غیرمستقیم و گاه تحقیر کلامی، قربانی را متأثر می‌کند. درباره تحقیر معطوف به غفلت باید گفت که در این نوع تحقیر بدون اینکه انگیزه‌ای برای تحقیرگری وجود داشته باشد، ناخواسته اعمال می‌شود و فعلیت یافتن تحقیرگر تا حد زیادی متأثر از انتظارات، تفاوت‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی تحقیرشده است. به عبارت دیگر، در این شکل، مصادیق تحقیر نه در قالب خشونت و ابزارهای مستقیم- همان‌گونه که در تحقیر معطوف به هدف به کار می‌رود- بلکه به صورت غیرمستقیم و غالباً در فضایی مسالمت‌آمیز صورت می‌گیرد.

همچنین، پاسخگویان تحقیر معطوف به قدرت را با مصادیقی، همچون: تسلط، مطیع بودن، وابسته‌کردن و ناتوانی و ضعف پیوند دادند. این نوع از تحقیر عموماً در روابط نابرابر و در ساخت سلسله مراتبی کم‌تحرک تجربه می‌شود که تحقیرشده در معرض کاربرد مستقیم (تنبیه کردن، محرومیت

- Somali Refugees". *Norway Journal of Refugee Studies*, No. 19(1), p 69-93.
- Kandom, A. (1981) "Geogapy of Gesture". *Semiotica*. No .37, p 129-163.
- Hartling, L.M. & Luchetta, T. (1999) "Humiliation: Assessing the Impact of Derision, Degradation, and Debasement". *Journal of Primary Prevention*, No. 19(5), p 259-278.
- Klein, D.K. (1991) "The Humiliation Dynamic: Viewing the Task of Prevention From a New Perspective", Special Issue, *Journal of Primary Prevention*, Part I, 12, No. 2. New York, NY: Kluwer Academic/ Plenum Publishers
- Lindner, E. (2013a)."Human Dignity and Humiliation Studies". Retrieved March 5, 2013, from <http://www.humiliationstudies.org>
- Lindner, Evelin. (2006) *Making Enemies: Humiliation and International Conflict*. Westport, CT: Praeger Security International. 187 pp. ISBN 0275991091.
- Lindner, E. (2003) "The Theory of Humiltion: A Summary". Unpublished manuscript. *Human Dignity and Humiliation Studies*, <http://www.humiliationstudies.org>
- Lindner, E.G. (2001) *How humiliation creates cultural differences: The psychology of intercultural communication*. Oslo: University of Oslo, unpublished manuscript.
- Lindner, E.G. (2001) "Humiliation as the Source of Terrorism: A New Paradigm". In *Peace Research*, No. 33 (2), p 59-68.
- Lindner, Evelin, (2000a) The psychology of humiliation: Somalia Rwanda/Burundi, and Hitler's Germany. PhD-thesis, *Univ. of Oslo Department of Psychology*. (<http://www.humiliationstudies.org/document/s/evelin/DissertationPsychology.pdf>).
- Rudmin, Floyd. (2013) "*Preventing Inadvertent Humiliation*". Psychology Dept, University of Troms, Norway.
- Stokes, Paul A. (2004) *We Are All Humiliated. Note prepared for the Workshop on Humiliation and Violent Conflict*, Columbia University, New York, November 18-19.
- Thomas, J. and Angela, H. (2008) *Methods for the Thematic Synthesis of Qualitative Research in Systematic Reviews*, ESRC National Centre for Research Methods NCRM Working Paper Series Number .(10/07). Social Science Research Unit, London.
- Wasilewski, J. (2009) "*The role of dignity and humiliation in indigenous cul-tures and its usefulness for global dialogue [Roundtable presentation]*". Paper presented at the 2009 Workshop on Humiliation and Violent Conflict, Columbia University, New York.
- وسيله فرهنگ‌سازی و مبارزه فرهنگی با تحقیر، رسانه‌ها، پیگرد قانونی و حمایت قانونی از تحقیرشدگان) را می‌طلبد. درنهایت، باید اذعان کرد که تلاش درجهت کاهش آسیب‌های روانی ناشی از تحقیر اجتماعی، به کاهش تبعات اجتماعی و خسارت‌های ناشی از آن منجر خواهد شد.
- منابع**
- منصور، محمود. (۱۳۶۹). *احساس کهنتری*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۷۷). *کنش ارتباطی، بدیل خشونت*، ترجمه: ابراهیم سلطانی، تهران: انتشارات کیان، ش ۴۵.
- محمدی، حکمت. (۱۳۸۵). «بررسی عوامل مؤثر بر پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره آموزش متوسطه استان اردبیل»، وزارت آموزش و پرورش، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش اردبیل، ص ۴۷-۶۰.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *روش پژوهش کیفی، ضد روش ۱*، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۹). *روش در روش*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- _____ . (۱۳۸۸). «نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی: سنخ‌ها و روش‌ها»، *مجله علوم تربیتی، دانشگاه چمران اهواز*، دوره پنجم، ش ۴، ص ۱۳۱-۱۶۴.
- Dallos, R. and Mclaughlin, E. (1994) "*Social Problems and the Family*", London, Sage publication.
- Ekman, P. & Fricson, W.V. (1969) "The Repertoire of Non- Verbal: Categories, Origins, Usage and Coding" *Semiotica*. Vol. 1, p 49- 98.
- Elison, J. Harter, S.L. (2007) "*Humiliation: Causes, correlates, and consequences*". In J. L. Tracy, R. W. Robins, J. P. Tangney (Eds.), *The self-conscious emotions: Theory and research* (p 310-329). New York: Guilford Press.
- Fangen, K. (2006) "Humiliation Experienced by